

Toronto & Vancouver

شهر وند

SHAHRVAND

Largest Farsi Newspaper in North America

- [shahrvand](#)
- [مقالات](#)
- [ادبیات](#)
- [طنز](#)
- [هنر](#)
- [پزشکی](#)
- [خبر](#)
- [گوناگون](#)
- [English](#)

شهر وند


SHAHRVAND

Advertise Here
300px W x 250px H

Contact: ads@shahrvand.com
or
Call: (416) 739-1086

[هنر](#) — June 16, 2011 15:32 — [0 Comments](#)

عشاق در دوران خطر / سیماسحر زرهی

 Like  11 people like this.

شمارش معکوس تا جشنواره تیرگان

ترجمه: فرنکیس زاهد

عشق و شیدایی شان حتی از آنسوی خط تلفن در صدایشان آشکار است. آنها بی وقفه از شعر و موسیقی می گویند و می گویند تا آنجایی که باید برای تجدید نفس لحظه ای مکث کنند.

هنگامی که از کینگ رام خواننده هایپرنوا - گروه موسیقی راک ایرانی مستقر در نیویورک - و سپس از دوستش تارا آغداشلو شاعر و ترانه سرای مقیم تورنتو، در مورد نحوه فعالیت و همکاری هنریشان در آلبوم در دست تهیه گروه می پرسیم گویی دزدانه از پشت پرده ی قرمز مخملی به مغازه ی عاشق و معشوقی می نگریم.

کینگ رام تاکید دارد: "او الهه شعر و موسیقی من است. هیچ یک از اینها بدون او انجام نمی شد."



تارا آغداشلو و کینگ رام

اشاره رام به آخرین اجرای تک خوانی اوست، شکارچی، قطعه ای مسحورکننده که در آن شعر فارسی کنایه آمیز تارا استادانه با صدای پر احساس رام و موسیقی راک ایرانی درهم آمیخته است.

شکارچی از آن دست آهنگهاست که می توان آنرا بارها پشت سرهم گوش کرد و از شنیدن دوباره آن سیر نشد، گویی شعر و موسیقی در ذهن پرورده و گسترده می شود و صداهای ضربی که در این قطعه طنین اندازند از انعکاس صدای دو ساز آشنای ایرانی تنبور و دف است که توسط اسفند دوست نزدیک و مربی رام نواخته می شوند. این سازهای سنتی ایرانی هنگامی که با سازهای غربی چون گیتار، سازهای زهی و بادی همراهی می شوند موسیقی یگانه ای می آفرینند.

این آهنگ نمونه ایست از آثاری که قرار است در آلبوم بعدی کینگ رام منتشر شوند، اولین مجموعه با ترانه های فارسی سروده تارا.

شکارچی پس از انتشار در فوریه 2011 یکشنبه به موفقیت عظیمی دست یافت، و طرفداران مشتاق هزاران پیام تمجید در اینترنت گذاشتند و اظهار امیدواری کردند کینگ رام با صدای منحصر بفرد خود آهنگهای بیشتری برگرفته از اشعار روح بخش تارا بخواند.

رام می گوید: "توجه و علاقه ای که به این آهنگ نشان دادند واقعا برای ما شگفت آور بود و ما را ترغیب کرد که باز بنویسیم و باز یکی دیگر."

تارا برایم از تاثیر آنی این آهنگ بر شنوندگان پس از پخش در پارازیت - برنامه طنز فارسی هفتگی صدای امریکا - می گوید.

او می گوید: "هنگامی که پارازیت این آهنگ را در فیلمی پیرامون جانباختگان جنبش اعتراضی دمکراسی خواهی مردم ایران پخش کرد معنای اولیه ترانه آرام آرام عوض شد و بیش از آنچه باید سیاسی شد. گویی به نوعی سرود میهنی برای ایران بدل گشت در حالیکه در ابتدا چنین نبود."



تارا و کینگ رام در آلبوم جدید رام همکاری دارند

تارا افزود: "سه چهار هفته بعد به همراه رام و گروه برای اجرای کنسرت به لندن رفتیم. من کنار سن ایستاده بودم و به جمعیت حاضر که حدود سیصد چهارصد نفر بودند نگاه می کردم، همه در حال خواندن ترانه ای بودند که من سرودن شعر آنرا از سالها پیش شروع کرده بودم."

تارا نیز مثل رام با شور و حرارت از تجربه همکاری با شریکش می گوید: "نکته شگفت انگیز در سرودن این ترانه ها در این است که نه به من کاملاً تعلق دارند نه به رام - ما هر دو در آن شریکیم - من خیلی به او اعتماد دارم - و از آنجا که سرچشمه شعرهایم از قلبم است همیشه احساس می کردم که این کلمات به من تعلق دارند و نمی خواهم خواننده دیگری آنها را بخواند."

بنا به گفته تارا او در گذشته همواره از گذاشتن آهنگ بر روی اشعارش اجتناب می کرده است. او می گوید: "شعر زبان مادری من است - تجزیه آن به ابیات و قطعات - این پیچیدگی ها و اصلاحات خیلی برایم تازگی داشت - اما هنگامی که با رمز و راز کار آشنا شدم خیلی برایم طبیعی تر شد. ما با آرامش خاطر با هم کار می کنیم."

او در ادامه افزود: "رابطه ما نقش موثری داشت زیرا پایه پای رشد آن احساس عاطفی ما که خیلی خام بود، به یکدیگر نیز بیشتر می شد..."

رام هم نظر مشابهی در مورد همراهی اش با تارا دارد. او می گوید: "نمی دانم چیست، اگر بین ما شور و عشق حاکم است، من به تمام ترانه هایی که با هم سرودیم افتخار می کنم و هرگز پیش از این اینقدر به نوشته هایم مغرور نبودم."

او در ارتباط با تارا افزود: "من خیلی خوشبختم کسی مثل او را در کنار خود دارم که با قدرتی جادویی کلمات را بر زبان میراند و آنها به روانی در کنار هم قرار می گیرند، واقعا شگفت انگیزه."

تارا هم در ستایش از رام می گوید: "هر بار که رام این آهنگ را اجرا می کند موهای تنم سیخ می شوند."

کینگ رام، نامی که این روزها بدان شهره است، فعالیت هنری خود را از سال 2000 با گروه ایرانی زیرزمینی هایپرنوا و با همراهی کامی، کدی و جم شروع کرد.

به گفته رام کامی درامر گروه اولین کسی بود که ایده تشکیل گروه موسیقی را با او در میان گذاشت.



کینگ رام در حال تمرین

او با فروتنی می گوید: "ما با هم در مورد تشکیل یک گروه صحبت کردیم، و قرار شد من خواننده گروه باشم البته نه به خاطر مثلا بهتر بودن صدام بلکه به خاطر تسلطم به زبان انگلیسی."

رام که نواختن گیتار را به صورت خودآموز فرا گرفت از مدت زمانی که گروه برای یکپارچه شدن نیاز داشت می گوید. به بیان او گروه چندین سال با نام های مختلف به اجرای برنامه مشغول بود. برای رام و همکارانش موسیقی یک ضرورت اجتناب ناپذیر بود "موسیقی در ابتدا به ما کمک می کرد تا از جنونی که در تهران ما را احاطه کرده بود فرار کنیم اما بعد تبدیل به حرفه ی ما شد."

در سال 2004 گروه اسم و رسمی در موسیقی زیرزمینی پر رونق تهران در کرده بود. رام آن دوران را به خاطر می آورد: "ما هواداران زیادی در صحنه موسیقی زیرزمینی داشتیم. من تا امروز هنوز اجرایی هیجان انگیزتر از آن برنامه های زیرزمینی نداشته ام."

جهش مهم هایپرنوا پس از دعوت از آنها در سال 2006 برای شرکت در جشنواره موسیقی ایرانی "اینترگالاکتیک" در هلند اتفاق افتاد. جشنواره تعداد زیادی از هنرمندان ایرانی مطرح در موسیقی زیرزمینی را یکجا جمع و آنها را به مخاطبان جدیدی معرفی کرد.

رام می گوید: "این اولین بار بود که گروه ما می توانست بر روی سن واقعی برنامه اجرا کند."

و پس از آن تجربه بود که گروه به امکان اجرای برنامه در خارج از ایران فکر کرد.

رام از آن دورانی می گوید که چگونه از طریق یک جشنواره موسیقی موفق شدند در ایالات متحده برنامه اجرا کنند "ما چیزهایی در مورد ساوت بای ساوت وست شنیدیم و در گاراژی در ایران برنامه کم مایه ای تهیه کردیم و با خوشبینی منتظر شدیم."

علی رغم کیفیت پایین برنامه ضبط شده، سازماندهندگان جشنواره به توانایی گروه پی بردند. رام می گوید: "ما پذیرفته شدیم. پس از هفت سال اجرای زیرزمینی در تهران حال ما می توانستیم در ایالات متحده اجرا کنیم. ما می توانستیم حقانیت گروه را نشان دهیم."

هایپرنوا در ابتدا برای ورود به ایالات متحده با رد درخواست ویزا مواجه شد، اما با کمک سناتور امریکایی چارلز شامر موفق شد سفر خود را به انجام رساند و حتی نیویورک را پایگاه خویش سازد.

به گفته رام تصمیم گیری برای ترک ایران کار ساده ای نبود، "پس از سالها نواختن در تهران ما به بن بست رسیده بودیم. نه

امکان پخش موسیقی خود را داشتیم و نه اجازه اجرا برای عموم.”

او در ادامه می گوید: “ترک ایران تنها راه برای ما بود. ما نمی خواستیم کشور خود را ترک کنیم، فقط می خواستیم چند هفته ای در امریکا بمانیم و بعد به خانه برگردیم، چند هفته ای که چهار سال طول کشید.”

تجربه رام از سکونت در امریکا را می توان در ترانه امریکن دریم (رویای امریکایی) حس کرد آنجا که می خواند:

“می دانم که هرگز به خانه ام باز نخواهم گشت، به زندگی که داشتم، به زندگی که می شناختم.”

این ترانه همچنین از محبوبیت ناگهانی هایپرنوا می گوید، “آنها عکس مرا روی جلد مجله ها انداختند، آسمان قرمز و رویاهای برباد رفته، آنها قول دادند که دنیا را تغییر می دهیم برای بهتر شدن و یا برای بدتر شدن،” راک اند رول همه آن چیزی ست که من می خواهم، دیدن دنیا همه آن چیزی ست که من می خواهم.”

همانگونه که این ترانه اشاره می کند هایپرنوا از محبوبیت زیادی در بین رسانه های ایالات متحده برخوردار شده بود. رام به این نکته اشاره می کند: “نیویورک تایمز و ام تی وی از ما تمجید کردند، باور کردنی نبود، ما از این همه توجه گیج و مبهوت شده بودیم.”

به گفته رام تجربه هایپرنوا به دیگر گروه های ایرانی کمک کرد تا به دنیای موسیقی غرب بپیوندند، “ما توانستیم موانع را برداشته راه را برای دیگران هموار کنیم.”

در سال 2009 به دنبال رشد جنبش دموکراسی خواهی در ایران، گروه با انتشار آهنگی از دنیا خواست که به قیام جوانان ایران توجه کند.

رام می گوید: “ما در این سوی کره خاکی با مشاهده خواهران و برادران خود خیلی احساس ناتوانی می کردیم - این آهنگ سهم اندک ما در این مبارزه بود، و در مقایسه با آنچه بر بچه های ایران می گذشت هیچ بود.”

در ترانه هایی چون “زنده باد مقاومت” Viva La Resistance گروه روح جنبش دمکراسی خواهی در ایران را در اشعار خود گنجانده، “امپراتوری در حال سقوط، معماران در حال فرارن، حالا وقتشه فریاد بزنید.”

رام اخیرا در راه تورنتو و نیویورک سیر می کند و بیشتر بر تک خوانی تکیه دارد. او تاکید دارد: “پروژه تک خوانی به تنهایی به اندازه یک عمر کار می برد.”

همکاری رام با تارا تغییراتی در نوع موسیقی او پدید آورده است. قطعات جدید از نظر محتوا غنی تر و با ترانه های فارسی در هم آمیخته است.

و در این صدای تازه حسی ست که می تواند به خاطر اشعار تارا باشد. رام می گوید: “خواندن کلمات یک زن تجربه جالبی ست، حس کردن اشعار به روشی که او می نویسد تجربه کاملا متفاوتی ست.”

رام یکی از هنرمندانی ست که در جشنواره تیرگان که از 21 تا 24 جولای در مرکز هاربرفرانت تورنتو برگزار می شود، حضور دارد.



او می گوید: “بودن در کنار بسیاری از هنرمندان ایرانی صاحب نام برای من افتخار بزرگی ست.”

تارا احساس او را بیان می کند: “من هم خیلی احساس غرور می کنم که جزیی از تیرگان هستم. ترانه در تورنتو زاده شد، و دور دنیا گشت و حال در جشنواره ای اجرا می شود که مهمترین واقعه ی جامعه ایرانی در این شهر است.”

برای شنیدن آثار کینگ رام می توانید در جشنواره موسیقی Toronto’s North by Northeast روز چهارشنبه 15 جون در Painted Lady شماره 218 آزینگتون شرکت کنید.

و برای شنیدن اشعار تارا می توانید همین جمعه 17 جون ساعت 7 بعدازظهر در جلسه معرفی کتاب شعر او” این یک انار نیست” در آرتا گالری شرکت کنید.

55 Mill St. Suite 102 building 9 in Toronto’s Distillery District.

 Like  11 people like this.

Leave a Reply

Name (required)

Mail (will not be published) (required)

Website

Copyright © 2010 Shahrvand Publications Ltd. All rights reserved.

Shahrvand Publications Ltd.
4610 Dufferin Street
Suite 208
Toronto ON, M3H 5S4
+1 (416) 739-1086

Powered by [Rubber Duck Media](#)